

قتل هولناک ۲۶ کودک در ایران!

بهرام رحمانی

Bamdadpress@telia.com

خبر هولناک و تکان دهنده است: قتل ۲۹ نفر در طی ۱۸ ماه که غیر از سه نفر بقیه قربانیان کودکان ۸ تا ۱۲ ساله بودند. این فاجعه دل خراش، در نوع خود در تاریخ هفتاد هشتاد سال گذشته ایران، بی سابقه بوده و تاکنون تنها از اصغر قاتل به عنوان معروف ترین جانی در قتل کودکان نام برده شده است.

قاتلان این کودکان، به نام های «علی باغی» و «محمد بیجه»، پس از دستگیری به قتل دو مرد کارگر معتاد کوره پزخانه و یک زن خیابانی و ۲۶ کودک اعتراف کرده اند. بنا به اقرار قاتلان، تاکنون بقایای اجساد ۱۸ کودک در معدن متروکه، کوره آجرپزی و بیابان های شرق تهران کشف شده است.

۲۷ فروردین ماه سال جاری، بیجه و پدرش سه ماه زندانی می شوند. علت بازداشت آنان گم شدن پنج پسر بچه در اطراف کوره پزی پاکدشت در حومه تهران بود. اما ظاهرا وقتی پلیس هیچ مدرکی بر مجرمیت آنان به دست نیاورد بیجه و پدرش را با گرفتن وثیقه آزاد می کنند. پس از این پلیس و دادسرای پاکدشت، هیچ اقدامی جدی در پیگیری کودکان گم شده انجام نمی دهند تا این که باز هم ۲۱ کودک دیگر قربانی می شوند.

از طرف دیگر در خبرها آمده است که خانواده های کودکان مفقود شده «مهاجر غیرقانونی» بوده اند و از ترس اخراج از ایران جرات نمی کردند به پلیس مراجعه کنند. در یکی دو نمونه هم والدین کودکان مفقود شده به پلیس مراجعه کرده با بی تفاوتی آن ها رو به رو می گردند.

روزنامه «جام جم» در گزارشی نوشت، خانواده ها از ترس پلیس به خاطر مهاجرت غیرقانونی شان، گم شدن بچه های خود را اطلاع نداده بودند.

روزنامه شرق نیز روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۸۱ - ۱۵ دسامبر ۲۰۰۴ درباره این جنایت نوشت: «... در حالی که قاتلان کودک آزار پاکدشت، به قتل ۲۹ نفر که ۲۶ نفر آن ها را کودکان تشکیل می دهند اعتراف کرده اند. اما ماموران احتمال می دهند جنایت های این قاتلان از این تعداد بیش تر باشد.

به گفته دوستان و همسایه های «محمد بیجه» (عامل اصلی این جنایت ها) او عاشق سگ بازی بود. محمد سگ ها را در بیابان های اطراف می گرفت و به خانه می برد و پس از چند روز آن ها را می کشت.

احمد یکی از کارگران کارخانه آجرپزی می گوید: «محمد جوان آرامی بود. او هیچ وقت با همسایه ها و کارگرها با عصبانیت رفتار نمی کرد. محمد در ابتدا در این کارخانه کار می کرد اما پس از مدتی کار را رها کرد. پس از آن او روی پشت بام می نشست و به کار کردن کارگران و بازی بچه ها نگاه می کرد. او علاقه زیادی به سگ داشت. آن ها را در بیابان ها می گرفت و به خانه شان می آورد و پس از چند روز آن ها را می کشت. او یک بار به من گفت تا به حال ۱۰۰ سگ را کشته ام و از این کار لذت می برم.»

مادر محمد قدیمی، یکی از قربانیان، در مورد نحوه قتل پسرش گفت: «پسر محمد ساعت شش بعد از ظهر پنجم شهریور ماه سال گذشته مقابل خانه در حال بازی بود که ناگهان ناپدید شد... به اداره آگاهی مراجعه کردیم. همان

شب از کارآگاهان خواستیم که ماموری به ما بدهند تا منطقه کوره های آجرپزی را جست و جو کنیم اما آن ها از این کار خودداری کردند.» (روزنامه شرق، ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۴)

خانواده یکی دیگر از قربانیان نیز به «شرق» گفت: «من معتقدم این دو قاتل فرزندان ما را برای آزار و اذیت جنسی به قتل رسانده اند بلکه آن ها به قصد فروش اعضای بدن کودکان، آن ها را ربوده و به قتل رسانده اند، اگر نه چرا باید اجساد آن ها را سوزانده باشند؟ ... او با انتقاد از سکوت و واکنش خنثی مسئولان شهر در برابر ماجرای مفقود شدن این کودکان گفت: تعدادی از خانواده ها پس از مفقود شدن فرزندانشان به فرمانداری مراجعه کردند و در جلسه ای که با فرماندار داشتند موضوع را به او اطلاع دادند که او واکنشی در این مورد نشان نداد. اگر او و ماموران آگاهی موضوع را جدی می گرفتند کودکان بیش تری قربانی این قاتلان نمی شدند. همچنین شنیده می شود ماموران پلیس آگاهی صاحب کوره های آجرپزی را بازداشت کرده و از فعالیت آن محل جلوگیری کرده اند.»

بدین ترتیب روشن است که دم و دستگاه اداری و پلیسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی، از یک سو با عدم پیگیری چنین جنایاتی و از سوی دیگر با اعمال قوانین فاشیستی بر علیه مهاجران و پناهندگان، زمینه را برای ادامه و گسترش چنین جنایاتی مساعد ساخته اند.

تاریخ رژیم جمهوری اسلامی ایران، تاریخ جهل و جنایت، رعب و وحشت و فقر و فلاکت است. کافی است که صفحه حوادث روزنامه ها را خواند تا با انواع و اقسام فجایع بی شمار غیرقابل جبران در حاکمیت جانیان جمهوری اسلامی هر چه بیش تر آشنا شد. مثلاً نگاهی به صفحه حوادث روزنامه «شرق»، این روزنامه «شیک و رنگی» جمهوری اسلامی، آن هم در یک روز لرزه به اندام خواننده می اندازد. هر چند که در حاکمیت جمهوری اسلامی، دیدن و شنیدن و خواندن چنین فجایعی به یک عادت روزمره تبدیل شده است. حوادثی که در هر گوشه ای از جامعه ایران و توسط هر کسی رخ می دهد فرقی در این واقعیت نمی دهد که همگی آن ها ریشه در فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سانسور و اختناق جمهوری اسلامی دارد. رژیم جمهوری اسلامی، با همه رهبران و دست اندرکاران سیاسی، مذهبی و نظامی و همه جناح هایش عامل اصلی همه این حوادث و جنایات است. صفحه حوادث روزنامه شرق، چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۸۳ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۴ عبارت است از:

__ برابر اعلام معاونت آگاهی فرماندهی انتظامی دو نفر با هویت های عادل و علی ف که به اتهام قتل یک تن و مجروح کردن دو تن دیگر با هویت های معلوم به وسیله اسلحه تحت تعقیب بودند را دستگیر و پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی کردند.

__ به دنبال اعلام نتایج کنکور دانشگاه ها چهار جوان تهرانی «دچار حمله عصبی» شدند... سه نفر از این جوانان آسیب دیده دختر و یک تن از آن ها پسر هستند. از اعلام اولیه نتایج کنکور دانشگاه های دولتی و آزاد سه تن از داوطلبان مردود شده اقدام به خودکشی کردند.

__ یک کشته محصول جنگ پسر خاله ها

__ مرگ دو کارگر شهرداری و مرغداری

__ معاونت اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی اعلام کرد بر اثر درگیری با سلاح شکاری در محل دفن زباله های شهری تبریز یک نفر کشته و ۹ نفر دیگر زخمی گردیدند...

__ جلسه محاکمه نوجوان ۱۵ ساله ای که پس از آزار جنسی یک کودک پنج ساله، او را به قتل رسانده بود دیروز در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد.

__ دو سارق، پس از بستن دست و پای ساکنان خانه در ولنجک، پس از مجروح کردن باغبان خانه اقدام به سرقت مقادیر زیادی طلا به ارزش ۴۵ میلیون تومان از آن خانه کردند.

__ طی ۴۸ ساعت گذشته، وقوع تصادفات رانندگی در تعدادی از محورهای ارتباطی کشور ۲۶ نفر را به کام مرگ کشاند. وقوع یازده سانحه رانندگی در دو روز گذشته همچنین باعث مجروح شدن حداقل ۳۶ نفر شد. جانشین معاونت راهنمایی و رانندگی در هفته گذشته از کشته شدن روزانه ۶۴ نفر بر اثر تصادفات در کشور خبر داد.

__ با فرو ریختن ساختمان ۷ طبقه در نیمه شب یک شنبه پایان غم انگیز تهران شد. پایدار نبودن دیوارهای جانبی این ساختمان در حال ساخت، جان دو کارگر را گرفت و ۵ تن دیگر را به شدت مجروح کرد. این حادثه در ساعت یک و ۵۶ دقیقه بامداد روز دوشنبه شهریور ماه در بازار مبل یافت آباد تهران در حالی رخ داد که کارگران در طبقه پنجم این ساختمان ۲۵۰۰ متر مربعی ۷ طبقه در حال استراحت بودند.

__ محمد غمخوار: شمار قربانیان پرونده قتل کودکان پاکدشتی به ۲۹ نفر افزایش یافت. یکی از افسران پلیس آگاهی با اعلام این خبر به «شرق» گفت: «تاکنون اجساد ۱۸ نفر از قربانیان به قتل رسیده توسط دو قاتل جوان کشف شده است که سه نفر از آن ها یک زن خیابانی و دو مرد معتاد هستند و بقیه مقتولان را کودکان ۸ تا ۱۲ ساله تشکیل می دهند.»

این تصویرهای دل خراش و جان کاه از جامعه ایران، تصویرهای روزانه ای است که فقط بخشی از آن ها در روزنامه ها انعکاس می یابد. باید دید چه اتفاقی در جامعه به وقوع پیوسته است که انسان ها این چنین جانی و از خود بی خود می شوند و از قتل و جنایت و از کشتن انسان تا حیوان «لذت» می برند. ریشه این فجایع در کجاست؟ چگونه می توان جلو آن ها را گرفت؟

قطعا در هر جامعه ای افرادی پیدا می شوند که دست به جنایت می زنند. اما کسی جانی متولد نمی شود. این جامعه و سیاست های حاکم بر آن است که انسان ها را جانی و بزهکار بار می آورد. مثلا اعضای یک باند بسیجی که در کرمان دختران و پسران جوان را می ربوند و پس از شکنجه به قتل می رسانند، نمونه ای از جنایات دست پروردگان جمهوری اسلامی است.

بنا به آمارهای منتشر شده پدیده بزهکاری در جامعه ایران در حال رشد و گسترش است. حدود ۲۵ درصد از کل زندانیان کشور را افراد زیر ۲۵ سال تشکیل می دهند. میانگین نرخ رشد افراد وارد شده به زندان معادل ۶/۵ درصد است به طوری که تعداد افراد این گروه ها از ۴۶۳ هزار و ۷۷۲ نفر در سال ۷۵ به ۵۹۷ هزار و ۴۸۳ نفر در سال ۷۹ رسیده است. (۲۴ شهریور ۸۳، خبرگزاری سینا)

در جامعه کنونی ایران، فاجعه پشت فاجعه می آید که عامل اصلی آن را باید در سیاست های رژیم جمهوری اسلامی، جست و جو کرد. جمهوری اسلامی، با سران و همه مقامات رده بالایش و کلیه قوانین اش، رژیم جانی و تبه کار است. رژیم که در جنگ و خشونت، ترور و وحشت، قتل عام و شکنجه و اعدام تبحر و تخصص دارد، پس دور از انتظار نیست که در حاکمیت آن، دامنه خشونت و جنایت از این هم فراتر برود. جامعه ایران پر از جانیمان حرفه ای است که در زندان ها با شکنجه زندانیان، تجاوز به آن ها، در جوخه های تیر در قتل عام زندانیان در سال های ۵۸

و ۶۰ تا ۶۲ و تاپستان ۶۷، در تیم های ترور و... شرکت داشتند، طبیعی است که خصلت های انسانی خود را از دست بدهند و به جانوران درنده خویی تبدیل گردند.

سران جمهوری اسلامی، عامل اصلی همه بدبختی ها و فجایع انسانی در جامعه ایران هستند که کوچک ترین احساس و عواطف انسانی در آن ها وجود ندارد. این ها یک مشت جانی، دزد و جنایت کارند که برای جامعه انسانی مضر و خطرناک هستند. بنابراین هر فرد و جریانی که به معیارهای اجتماعی و به حرمت و موجودیت انسان احترام می گذارد، باید با صراحت تمام و بدون کوچک ترین اما و اگری خواهان سرنگونی چنین رژیمی شود و خود را موظف به برداشتن گام های عملی نیز بداند.

جامعه ایران، یک جامعه طبقاتی است که در آن روابط و مناسبات سرمایه داری جریان دارد. امروز طبقات اصلی آن یعنی طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار بیش از هر زمان دیگری از تاریخ ایران در مقابل هم صف آرایی کرده اند. تا جایی که به سیاست ها و عملکرد بورژوازی ایران حداقل بعد از مشروطیت برمی گردد، همواره سیاست های جنایت کارانه و استثمارگرانه داشته و هنوز هم دارد. بنابراین جامعه ایران که بیش از ۶۰ درصد آن جوان است و افکار و آرزوهای اکثریت این نیروی عظیم، ریشه در افکار و سیاست های دوران سلطنت و جمهوری اسلامی ندارد، خواهان تغییرات اساسی و بنیادی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جامعه هستند. حتا به اقرار مقامات و کارشناسان جمهوری اسلامی، اکثریت جوانان مذهب و نماز و روزه را مسخره می کنند. مهم تر از همه جوانان در شورش ها و اعتراضات شهری و دانشگاه ها در صف مقدم قرار دارند. اکثریت این نیروی عظیم، فرزندان کارگران و خانواده های محروم هستند که در کنار طبقه کارگر، یکی از اصلی ترین طبقه جامعه قرار دارند. طبقه ای که برای تغییرات بنیادی در عرصه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مبارزه می کند؛ واقعا در صورت پیروزی بر بورژوازی ایران می تواند آرزوها و آمال این نیروی جوان را برآورده سازد و خلاقیت آن ها را عمیقا شکوفا سازد. واقعا طبقه کارگر اگر با تمام نیرو و متحد و متشکل و هدف مند بر علیه سرمایه داری به میدان بیاید قطعا هیچ قدرتی نمی تواند مانع پیشروی آن شود.

بنابراین تنها جنبش کارگری سوسیالیستی و همه مردم محروم و تحت ستم و آزادی خواه است که سرنوشت ایران را با سرنگونی جمهوری اسلامی با یک انقلاب رقم می زند و جامعه را به سوی سعادت، رفاه، برابری و آزادی هدایت می کند. جامعه ای که در آن هیچ زندان و زندانی سیاسی، سانسور و اختناق، شکنجه روحی و جسمی، اعدام، تفاوت بین زن و مرد، تفاوت ملی و مذهبی نباشد و همه شهروندان به طور برابر و یکسان از همه دستاوردهای بشری و اقتصادی برخوردار گردند.

۱۶ سپتامبر ۲۰۰۴